

مطالعه دعوی مسؤولیت ناشی از خطای موجد خسارات انبوه در حقوق آمریکا؛ تأملی در نظام حقوقی ایران

حمید کبیری شاه آباد*

استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

چکیده

گاه در اثر فعل یا افعال زیانباری افراد متعددی دچار زیان می‌شوند، مانند اینکه عده‌ای کثیر در معرض ماده‌ای سمی قرار گیرند و یا تولیدکننده‌ای در محصولات تولیدی خود از مواد آسیب‌زا استفاده کند. اگر زیان‌دیدگان بخواهند برای مطالبه خسارت خود طرح دعوا کنند و به صورت انفرادی مورد رسیدگی قرار گیرد، نتیجه دادرسی انفرادی آن است که همه زیان‌دیدگان باید فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین این دو را اثبات کنند و این امر بعضاً منجر به عدم رغبت به طرح دعوا می‌شود. همچنین سرعت رسیدگی نیز کاهش یافته و به مرجع قضایی نیز هزینه تحمیل می‌شود. در کشور ایالات متحده آمریکا در مواجهه با چنین مواردی دعوی مسؤولیت ناشی از خطای موجد خسارات انبوه «Mass Tort» تعریف شده است. مصادیق این دعوا زمانی است که دادگاه‌ها نیاز به مدیریت قضایی ویژه در مورد آن را احراز و با انتخاب رویکردی مناسب به حل و فصل آن بپردازند. این مقاله به بررسی دعوی مذکور و تبیین ابعاد آن در حقوق ایالات متحده آمریکا پرداخته و سپس وضعیت مواجهه با آن را در نظام حقوقی کشور ایران مورد بررسی قرار داده است. نتیجه اینکه در نظام قضایی آمریکا دادگاه‌ها برای حل و فصل و مدیریت این دعوی از بین رویکردهای مختلف، انتخاب می‌کنند و در نظام حقوقی ایران راهکاری برای مواجهه با این دعوی اعم از

دعای گروهی یا ادغام دعاوی وجود ندارد و ایجاد راهکار مناسب باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دعوا، مسؤولیت، خسارات انبوه، فعل زیان بار، زیان‌دیده.

۱. مقدمه

پیشرفت بشر به همان اندازه که زندگی را آسان ساخته، خطرناک نیز کرده است. نگاهی به آمار تلفات رانندگی و زیان‌هایی که در کارگاه‌ها و بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها به بار می‌آید نشان می‌دهد که انسان توانای امروز با چه خطرهایی روبه‌رو است. گاه خطایی واحد خسارتی انبوه به بار می‌آورد و زیان‌دیدگان متعددی بر جای می‌گذارد. در این صورت عدالت تمنای آن دارد که خسارات همه بدون هیچ کم و کاست و مطابق با زیان وارده جبران شود. براساس دادرسی انفرادی هر زیان دیده باید به صورت جداگانه علیه فاعل یا فاعلین فعل زیان‌بار طرح دعوا کند. هر خواهان باید تحقق ارکان مسؤولیت مدنی را نسبت به خود اثبات نموده تا خوانده به پرداخت خسارت محکوم شود و همین می‌تواند عاملی برای عدم رغبت زیان‌دیده به طرح دعوا علیه فاعل فعل زیان‌بار شود؛ زیرا علاوه بر هزینه‌ای که هر شخص باید به صورت جداگانه متحمل شود، بسیاری از افراد اطلاعات کافی برای ورود به دعوی مسؤولیت مدنی ندارند، یا ورود به چنین دعوایی را به صرفه نمی‌دانند، یا اینکه ارزش محرمانه بودن اطلاعات خود را بیشتر از جبران خسارت می‌دانند، یا حتی از قابلیت جبران خسارتی که به آنها وارد شده است، اطلاعی ندارند. حال در فرض ورود خسارت به افراد متعدد، سؤال آن است که نحوه مواجهه مرجع قضایی با زیان‌دیدگان و دعوی مطالبه ورود خسارت چگونه است.

در کشور ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ شکل قدرتمندی از دعوی مسؤولیت مدنی تحت عنوان «Mass Tort»^۱ هم در دادگاه‌های فدرال و هم در دادگاه‌های ایالتی

۱. این اصطلاح را به دعوی مسؤولیت ناشی از خطای موجد خسارات انبوه در زبان فارسی ترجمه کرده‌ایم.



مطرح شد. در این نوع دعوا چندین خواهان با حفظ حقوق فردی و شخصی خود نسبت به دعوا می توانند علیه چندین خواننده طرح دعوا کنند و علاوه بر تقسیم هزینه- های اثبات ارکان مسؤولیت مدنی، گاهی اوقات برای اثبات راه ساده‌تری را طی می- کنند. ما در این پژوهش در صدد هستیم تا این نوع دعوا را در حقوق ایالات متحده آمریکا مطالعه و ابعاد آن را بررسی و سپس پیرامون آن تأملی در نظام حقوقی کشور ایران داشته باشیم و به این سؤال پاسخ دهیم که در فرض حدوث زمینه چنین دعوایی، آیا غیر از دادرسی انفرادی، موضع دیگری در نظام حقوقی ایران نیز وجود دارد؟ بنابراین در این پژوهش، پس از تبیین موضوع در حقوق کشور ایالات متحده آمریکا و بررسی ابعاد مختلف آن، به موضع نظام حقوقی ایران می‌پردازیم.

۲. تبیین موضوع

مراد از دعوای مسؤولیت ناشی از خطای موجد خسارات انبوه^۱ دعوایی است که به سبب یک واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع مرتبط که تعداد زیادی از افراد را مصدوم و یا به اموال آنها خسارت وارد می‌کند، اقامه می‌شود (Report On Mass Tort Litigation, 10,1999, p.9). دعوای مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه با ماهیت و تعداد ادعاها تعریف می‌شود. اغلب، ادعاها از یک واقعه یا محصول مشخص نشأت می‌گیرد، تعداد زیادی از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب طرح دعوی متعددی درخصوص خسارات بدنی و مالی می‌شود (Manual For Complex Litigation, 2004, p221). در مواردی صد ادعا و در موارد دیگر وجود حداقل هزار ادعا آستانه شکل‌گیری این دعوا عنوان شده است (Ibid). می‌توان آتش سوزی یک هتل، فروریختن ساختمان چندین طبقه، سقوط هواپیما و برون‌ریزی یک ماده شیمیایی خطرناک را به عنوان نمونه این نوع دعوا بیان کرد. این نوع دعوای دارای چند ویژگی از جمله: تعداد زیاد خواهان، وکلای متعدد، ارتباط با مباحث علمی جدید، تعدادی کارشناس و سرانجام

۱. از این پس دعوای مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه نامیده می‌شود.

کوهی از اسناد و مدارک هستند (Aikman, 1995, p.13). برجسته ترین نمونه‌های واقعی این دسته از دعاوی که در کشور ایالات متحده آمریکا مطرح شده است عبارتند از:

Asbestos- نام ماده‌ای معدنی است که مقاومت بالایی در برابر گرما دارد. در گذشته مقدار زیادی از این ماده نسوز در کشتی‌ها، ساختمان‌ها و سایر محصولات مصرفی دیگر از جمله تخته‌های چوبی پوشش دیوار، در سقف سازی، کف سازی، سیمان، عایق کاری، لوله‌های آب آشامیدنی، اتومبیل‌ها، لباس‌ها، کاغذ، سشوار، محصولات حفاظتی، اسباب خانه و اسباب بازی کودکان استفاده می‌شد (Biggs, 2001, P.1). تنفس الیافهای خیلی ریز و میکروسکوپی این ماده، موجب بیماری‌های متعددی از جمله: بیماری ^۱Asbestosis و ^۲Mesothelioma - که منحصراً نتیجه انتشار این ماده است - همچنین بیماری‌های دیگری نظیر سرطان شش، سرطان معده و روده می‌شود (White, 2003, P.4). برآوردها حاکی از آن است که تقریباً ۲۷ تا ۱۰۰ میلیون نفر از شهروندان آمریکایی در طول زمان در معرض این ماده بوده‌اند (Ibid); لذا در پایان سال ۲۰۰۲، ۷۳۰ هزار نفر علیه قریب ۸۴۰۰ نفر دعاوی مسئولیت مدنی مطرح کردند. مقدار خسارتی که خوانده‌ها و بیمه‌گران آنها برای حل و فصل دعاوی پرداختند تا هفتاد بیلیون دلار برآورد می‌شود (White, 2004, P.183); بنابراین این دعوا در کشور ایالات متحده آمریکا یکی از دعاوی بسیار بزرگ مسئولیت ناشی از خسارات انبوه محسوب می‌شود، تا جاییکه در سال ۱۹۹۴ کنگره این کشور برای ورشکستگی ناشی از طرح دعاوی مربوط به این ماده علیه شرکت‌ها، مجموعه اصلاحیه‌هایی برای قانون ورشکستگی تصویب کرد (White, 2002, P.1319-1340).
Dalkon Sheild intrauterine device- در ژانویه ۱۹۷۱ شرکت A.H Robins، فروش ابزاری به نام Dalkon shield را آغاز کرد که به IUD معروف شد و برای

۱. نوعی زخم در شش‌ها است که قدرت تنفس را کاهش می‌دهد و می‌تواند شش‌ها را از کار بیندازد و یا حتی کشنده باشد.

۲. سرطان پرده پوشاننده شش‌ها، پوشش اطراف سینه و شکم است و به سرعت سبب مرگ می‌شود.



کنترل بارداری در رحم زنان قرار می‌گرفت. این شرکت تا اواسط دهه ۱۹۷۰ حدود ۴,۵ میلیون IUD در هشت کشور دنیا توزیع کرد که از این تعداد ۲,۸۶ میلیون آن سهم کشور ایالات متحده آمریکا بود. در سال ۱۹۷۴ برآوردها حاکی از آن بود که تعداد ۸۰۰ هزار تا یک میلیون از این ابزار استفاده شده که متعاقب آن مصدومیت‌هایی برای استفاده‌کنندگان آن ایجاد شد. ده‌ها هزار نفر به شکلی از عفونت مبتلا شدند که به بیماری لگن خاصره (PID) شهرت داشت. این بیماری تنها در ایالات متحده آمریکا جان ۸۵ زن را گرفت. تعداد زیادی در اثر عفونت توانایی باردار شدن خود را از دست دادند. علاوه بر ایجاد مصدومیت، در قریب به ۱۱۰ هزار نفر از افراد استفاده‌کننده نیز بی‌اثر بود و سبب بارداری ناخواسته شد. همچنین نیمی از همه زنانی که با IUD باردار شده بودند، سقط جنین کردند؛ لذا تا ژوئن ۱۹۸۵ تعداد ۱۴۳۳۰ دعوا علیه شرکت A.H.Robins مطرح شد و این شرکت و بیمه‌گر او Atena Life & Casualty company، ۳۷۵ میلیون دلار برای حل و فصل دعاوی، ۳,۱۰۷ میلیون دلار به عنوان مخارج قانونی و ۲۴,۸ میلیون دلار به عنوان خسارت تنبیهی پرداختند (Menkel-Meadow, 1998, p.515-516).

دعوی داروهای رژیمی «Diet Drugs» و دعوی ماده سمی «Agent-Orange» نمونه‌های دیگری از این دعاوی هستند. مشخصه اصلی همه این دعاوی حجم بالایی از ادعاها است که به دلیل تماس زیانده‌ها با محصول یا ماده‌ای مشابه و برای جبران خسارت مطرح و گروه بزرگی از خواهان‌ها و خواننده‌های بالقوه را در بر می‌گیرد. به همین دلیل برای این دعاوی مدیریت قضایی ویژه‌ای مورد نیاز است که در حقوق ایالات متحده آمریکا دعوایی تحت عنوان «Mass Tort» ایجاد شده است که در نظام قضایی این کشور هم در سطح دادگاه‌های ایالتی و هم در سطح دادگاه‌های فدرال شکل قدرتمندی از دعوا محسوب می‌شود و محدوده‌ای در حال توسعه می‌باشد (Rheingold, 2017, p.618).

۲-۱. انواع دعوای مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه

با توجه به تنوع دعوای مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه، تقسیم‌بندی‌هایی برای آن پیشنهاد شده که شناسایی آنها را تسهیل می‌کند. ملاک و معیار در این تقسیم‌بندی‌ها عبارت است از: ۱) خواهان‌ها مشخص هستند یا خیر؟ و تعداد آنها زیاد است یا کم؟ ۲) خوانده‌ها مشخص هستند یا خیر؟ و تعداد آنها زیاد است یا کم؟ ۳) اتفاق یا حادثه، منجر به ضرر واحد شده یا ضرر متعدد است؟ ۴) مسؤولیت خوانده مشخص است یا نامشخص؟ ۵) رابطه سببیت خاصی وجود دارد یا خیر؟ ۶) ارزش دعوا مشخص است یا خیر؟ ۷) بودجه برای جبران خسارت ناشی از مسؤولیت وجود دارد یا خیر؟ (Govern, 1995, p.1825).

بر همین اساس حسب مورد برای دعوای مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه، از عناوین مختلفی استفاده می‌شود. برای نمونه جاییکه اتفاقی واحد منجر به تعداد زیادی از صدمه‌های جدی و کشنده می‌شود و از طرفی مصدومیت‌ها عموماً در یک مکان اتفاق می‌افتد و معمولاً هم فوراً قابل تشخیص هستند، عنوان «Mass Accident»^۱ یا «Mass Disaster» به کار می‌رود که آتش سوزی در یک هتل مصداقی از آن است، اما اگر اتفاق موجب حادثه در مناطق متعدد و گسترده، همچنین در زمانهای متفاوت صورت بگیرد و اثر کامل آنها نیز طی سالیانی طولانی ناشناخته باشد، در این صورت عنوان «Mass Exposure»^۲ و یا «Toxic Torts»^۳ به کار می‌رود، که آلودگی‌های محیط زیستی نظیر آلودگی آب و خاک مصادیقی از آن است (Ibid). این تقسیم‌بندی در سطح ایالت‌ها نیز متفاوت است؛ برای نمونه در ایالت نیوجرسی این نوع دعوای به سه دسته کلی تقسیم می‌شود (Carchman, 2005, p.11Portiz) که عبارت است از:

۱. این دو اصطلاح به «اتفاق یا حادثه موجب خسارات انبوه» ترجمه می‌شود.

۲. این اصطلاح به «مواجهه با مواد موجب خسارات انبوه» ترجمه می‌شود.

۳. این اصطلاح به «مواجهه با مواد سمی موجب خسارت انبوه» ترجمه می‌شود.



الف) دعاوی زیادی که از یک محصول ناشی می‌شود؛
ب) «Mass Disaster»، که مشخصه این دعاوی مباحث فنی و قانونی مشترک است؛
ج) دعاوی محیط زیستی و اصطلاحاً «Toxic Torts»، که مشخصه این دعاوی، تعداد بالای زیان‌دیده و منشأ مشترک است.

۲-۲. تفاوت دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه با دعاوی مسؤولیت

مدنی معمولی

در حقوق مسؤولیت مدنی هم سیاست‌های کارایی و هم سیاست‌های عدالت اصلاحی از جمله جبران خسارت، بازدارندگی، مجازات و عدالت مطرح می‌شود (Rosenberg, 1984, p.861-867). طبیعتاً این سیاست‌ها در هر پرونده‌ای نتیجه‌ای مشابه را ایجاد نمی‌کند و کشمکش میان آنها سبب ایجاد رویه‌های قضایی متعدد در زمینه مسؤولیت مدنی می‌شود. برای نمونه آیا الزام تولیدکننده داروهای نجات‌بخش^۱ به هشدار دادن در مورد اندک عوارض منفی این داروها صحیح است؟ پاسخ قطعی به این سؤال دشوار است؛ زیرا اگر چنین هشدار صوری بگیرد، افراد از استفاده آنها منصرف می‌شوند و در نتیجه شبکه‌ای از زیان ناشی از جانباختن افراد ایجاد می‌شود. در این مثال، هدف عدالت (لزوم بیان عوارض منفی دارو) با هدف کارایی (نجات جان افراد و دفع ضرر مهمتر) در تعارض هستند و وضعیت مطلوب مشخص نیست (Ibid).

از طرف دیگر قوانین آیین دادرسی مدنی در کشور ایالات متحده آمریکا بر اساس چند سیاست از جمله کارایی، عدالت و اهمیت رفتاری بنا شده‌اند. این سیاست‌ها برای رساندن ذهن پرسشگر به پاسخ واحد هماهنگ عمل نمی‌کنند. برای نمونه در مورد کشف و تحقیق در استفاده گسترده یا محدود از بازجویی، گواهی و درخواست ارائه

۱. Life-Saving Drugs

مدرک بین کارایی، عدالت و مفاهیم رفتاری کشمکش‌های دائمی وجود دارد (E. MC). (Govern, 1986, p.440-445).

مشخصه کلیدی دعوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه، حجم بالای دعاوی و تعداد زیاد خواهان‌ها و خواننده‌های بالقوه است. این تعداد زیاد دعاوی که از نظر کمی با دعوی مسئولیت مدنی معمولی متفاوت است، براساس سیاست‌های کارایی و عدالت اصلاحی در حقوق مسئولیت مدنی، به ناچار به تفاوت کیفی هم منجر می‌شود. همانطور که در دعاوی مطرح شده در مباحث قبلی دیده می‌شود، در دعاوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه، درصد خواهان‌های بالقوه که در این دعوا درگیر هستند، از دعوی مسئولیت مدنی معمولی بیشتر است. به عبارت دیگر در دعوی مسئولیت مدنی معمولی بین ده تا بیست درصد از خواهان‌های بالقوه دعاوی خود را مطرح می‌کنند، در حالیکه برآوردها حاکی از آن است که در دعوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه صد در صد خواهانهای بالقوه در صدد جبران خسارات خود بر می‌آیند (Ibid).

علت اقدام همه خواهان‌های بالقوه برای مطالبه خسارات وارد به خود نیز وجود شیوه‌هایی است که براساس سیاست کارایی، حل‌وفصل پرونده در دعاوی مسئولیت ناشی از خسارت انبوه را در دادگاه سرعت می‌بخشد و از این جهت خواهان‌ها را به طرح دعوا تشویق می‌کند. این شیوه‌ها ممکن است ماهوی و یا شکلی باشد. در شیوه ماهوی دادگاه ممکن است رابطه سببیت کلی بین زیان وارده به اشخاص و فعل زیانبار در نظر بگیرد (فرض وجود رابطه سببیت)، یا فرض بگیرد که چون همه خواهان‌ها در معرض ماده سمی واحدی قرار گرفته‌اند، بنابراین آسیب دیده‌اند (فرض ورود خسارت)، یا مسئولیت به نسبت سهم بازار^۱ برای خواننده‌های دعوا برقرار کند. برای نمونه در دعوی «Asbestos» در ابتدا خواهان‌ها باید اثبات می‌کردند که محصول خاصی از خواننده سبب ورود ضرر به آنها شده است. اثبات چنین امری

۱. Market Share Liability



برای اکثریت خواهان‌ها مشکل بود؛ زیرا آنها اغلب در معرض محصولات متعددی از «Asbestos» بودند و اثبات این که کدام محصول سبب ورود ضرر به آنها شده است، ممکن نبود. به همین دلیل دادگاهها قواعد رابطه سببیت را در این دعوا منعطف‌تر کردند، به این صورت که خواهان‌ها فقط ملزم بودند اثبات کنند که محصولات خوانده در محل کار آنها استفاده شده است (Brickman, 1992, p.1840-1852).

در شیوه شکلی نیز دادگاه ممکن است رویه های جمعی را توسعه دهد، مانند ادغام دعوی و رسیدگی به موضوعات مشترک.^۱ همچنین برخی قضات به دلیل اهمیت سیاست کارایی، از قالب دعوی گروهی^۲ و رسیدگی جمعی به همه دعوی، به جای رسیدگی انفرادی به هر دعوا، استفاده می کنند. همه این موارد خواهان های بالقوه بیشتری را برای طرح دعوا تشویق می کند (Govern, 1995, p.1823).

در نتیجه از تفاوت های اساسی بین دعوی مسؤولیت مدنی معمولی و دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه، درصد دعوی بالقوه ای است که نوعاً در دوره زمانی کوتاه و در تعداد محدودی از مناطق مطرح می شود. این موضوع اثرات قابل توجهی را برای نظام قضایی ایجاد می کند؛ لذا اگر در دعوی مسؤولیت مدنی معمولی یکسری از قواعد مشخص آیین دادرسی مدنی برای همه آنها اعمال می شود، برای دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه نمونه های متعددی از قواعد شکلی وجود دارد که برحسب مورد توسط قضات مورد استفاده قرار می گیرد (Ibid, p.1823-1825). به عبارت دیگر هرچند در دعوی مسؤولیت مدنی معمولی قضات از یکسری قواعد مشخص و ثابت استفاده می کنند، اما در دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه قضات برای مدیریت قضایی این دعاوی از بین رویکردهای متعدد موجود دست به انتخاب می زنند و قواعد ثابتی برای رسیدگی به همه این دعوی وجود ندارد. این رویکردها در قسمت بعدی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. Consolidation

۲. Class Action

۳. مدیریت قضایی دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارت انبوه

در نظام قضایی ایالات متحده آمریکا، دادگاهها ضرورت اتخاذ رویکردی ویژه برای مدیریت قضایی در دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارت انبوه را تأیید کرده‌اند (Ibid, p.2). از طرفی دادگاهها در انتخاب رویکرد ویژه به اتفاق نرسیده‌اند و از این جهت رویه واحدی برای این دعاوی وجود ندارد، بلکه در هر مورد دادگاهها رویه‌ای را انتخاب و مورد استفاده قرار می‌دهند. اما سؤال آن است که دادگاهها چگونه و بر اساس کدام رویکرد، نحوه مدیریت دعاوی را انتخاب می‌کنند؟ همچنین چه رویکردها و روش‌هایی برای دادگاهها وجود دارد و آنها می‌توانند انتخاب کنند؟ در ادامه علل مؤثر در انتخاب رویکرد مناسب جهت مدیریت قضایی این دعاوی و رویکردهای موجود در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. علل مؤثر در انتخاب رویکرد مناسب جهت مدیریت قضایی دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه

انتخاب رویکرد مناسب جهت مدیریت قضایی دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه به دو عامل بستگی دارد ۱- قابلیت جذب خواهان بالقوه بیشتر (Elasticity) ۲- بلوغ (Maturity). این دو عامل ذیلاً مطرح و تبیین می‌شود:

۳-۱-۱. قابلیت جذب خواهان بالقوه بیشتر (Elasticity)

واژه قابلیت در زمینه‌های مختلفی استفاده می‌شود. در حوزه مسؤولیت مدنی در معنای توسعه یک دعوا و افزایش خواهان‌ها و زیان‌های مورد مطالبه به کار می‌رود. برای نمونه زمانیکه برای واردکنندگان زیان مسؤولیت به نسبت سهم بازار برقرار و یا برای نظارت پزشکی نیز خسارت در نظر گرفته می‌شود، دعوا توسعه یافته و سبب افزایش تعداد خواهان‌ها و میزان خسارات می‌شود (Govern, 1995, p.1827). در



دعوی مربوط به داروی Diethylstilbestrol (DES) ^۱ به دلیل اینکه چند تولیدکننده DES وجود داشت و افراد زیان‌دیده نمی‌توانستند اثبات کنند که کدام تولیدکننده سبب ورود خسارت به آنها شده است، دادگاه مسؤولیت به نسبت سهم بازار را برای همه تولیدکنندگان این دارو برقرار کرد و همین موضوع سبب افزایش تعداد خواهان‌ها و میزان خسارت شد (Dean, 2001, p.915-939).

علاوه بر امور موضوعی و حکمی عوامل دیگری نیز در افزایش خواهان‌ها در یک دعوا تأثیر دارد. در یک دید کلی حداقل چهار مرحله برای تبدیل یک خواهان بالقوه دعوی مسؤولیت مدنی به خواهان بالفعل و تکامل یافته وجود دارد که عبارتند از: (۱) آگاهی از ورود خسارت؛ (۲) آگاهی از قابلیت جبران خسارت؛ (۳) تمایل به شرکت در نظام مسؤولیت مدنی؛ و (۴) دسترسی به نظام مسؤولیت مدنی بدون مانع جدی. در هر یک از این چهار مرحله عوامل متعددی می‌توانند به خواهان بالقوه کمک کنند. برای نمونه رسانه‌های گروهی، شبکه‌های اجتماعی و حتی برخورد پزشکان و از همه مهمتر وکلای که نقش بسیار مهمی دارند و می‌توانند در هر چهار مرحله به خواهان بالقوه کمک کنند (Ibid)، که بررسی نقش این مؤلفه‌ها از حوصله این مقاله خارج است.

۳-۱-۲. بلوغ^۲

به طور کلی دعوی ناشی از خسارات انبوه زمانی به بلوغ می‌رسد که کشف جامع و کامل صورت گرفته، چند رأی صادر شده و خواهان‌های بالقوه دارای انگیزه‌ای پایدار برای طرح دعوا باشند. وقتی دعوی ناشی از خسارات انبوه مطرح می‌شود، خواننده یکسری امتیازات ذاتی در منابع موجود، اطلاعات، قانون، استراتژی دفاعی و حتی عقاید عمومی نسبت به خواهان دارد. وکلای خواهان تلاش می‌کنند تا برای خواننده

۱. نوعی داروی هورمونی است که هرمون استروژن را در بدن زن افزایش می‌دهد. این دارو سبب شد فرزندان دختر متولد شده از بانوانی که این دارو را در دوران بارداری دریافت کرده بودند، آسیب ببینند.

۲. Maturity

مسئولیتی ایجاد کنند و در این راه با مشکلات اساسی اعم از ارائه اسناد، تعیین کارشناسان و اطلاعات ضروری برای اثبات مسئولیت خوانده مواجه هستند. این در حالی است که برای ایجاد مسئولیت حتی ممکن است موانع قانونی نیز وجود داشته و قانون شرایط مسئولیت ادعا شده را نپذیرد.

از طرف دیگر خوانده نوعاً در اطلاعات و کارشناسی از انحصار برخوردار بوده و برای دفاع از خود نیز منابع کافی در اختیار دارد؛ لذا استراتژی خوانده نسبت به خواهان برتر است. خوانده معمولاً تمایل دارد تا در دعوا پیروز شود و یا دعاوی مطرح شده را به تدریج و با تأثیر کم در سایر دعاوی، به سازش ختم کند. در مقابل این موانع اگر خواهان سرسخت باشد و بر ادعاهای خود باقی بماند، می‌تواند بر آنها فائق آید. در این صورت اگر خواهان‌ها بتوانند موفقیتی به دست بیاورند، اعم از اینکه رأی به نفع آنها صادر شود و یا با خوانده سازش کنند، این موضوع نشان‌دهنده آن است که ایشان در مورد مسئولیت، رابطه سببیت و خسارات اطلاعات کافی و کارشناسی شده به دست آورده و می‌توانند ارائه کنند. حتی این موفقیت دلالت می‌کند که موانع قانونی برطرف شده و یا قانون جدیدی تصویب شده است. در اینجا است که گفته می‌شود دعوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه به بلوغ رسیده و می‌تواند سبب افزایش چشم گیر طرح دعاوی شود (Government, 1995, p.1840-1850). برای نمونه *Borel v. Fibreboard* اولین دعوایی بود که در سال ۱۹۷۳ از سوی مصرف کننده محصولات «Asbestos» که یک کارگر عایق کار بود علیه تولید کننده بزرگ محصولات حاوی این ماده مطرح و به پیروزی رسید. در طول دهه بعد از آن ۲۵ هزار دعوی مسئولیت ناشی از تولید «Asbestos» مطرح شد و به تدریج وکلای خواهان‌ها مدارکی به دست آوردند دال بر اینکه تولیدکنندگان از خطرات در معرض قرار گرفتن این ماده، آگاهی داشته و آن را مخفی می‌کردند، و سبب شد تا این دعاوی به نفع خواهان‌ها ختم شود (Ibid, p.186-187).



۲-۳. رویکردهای موجود برای مدیریت قضایی دعوی مسؤولیت ناشی از

خسارات انبوه

براساس مطالب بیان شده مشخص شد، دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه با ویژگی‌های خود وضعیتی را ایجاد می‌کنند که هم خوانده یا خوانده‌های دعوا و هم دستگاه قضایی را تحت فشار قرار می‌دهد. با این وجود هیچ رویکرد ویژه‌ای که خاص این دعوی باشد برای رسیدگی به آنها وجود ندارد. بلکه این مرجع قضایی است که باید تصمیم بگیرد، آیا دعوی مطرح شده به مدیریت ویژه‌ای نیاز دارد یا خیر؟ در نتیجه برای مدیریت قضایی این دعوی رویکردهای متنوعی از جمله: (۱) مدیریت دعوا به صورت انفرادی سنتی؛^۱ (۲) ادغام پیش از رسیدگی؛^۲ (۳) دستورات ناظر به فرایند رسیدگی پرونده از مرحله بدوی تا تجدید نظر؛^۳ (۴) ادغام مرحله رسیدگی؛ و^۴ (۵) دعوی گروهی^۵ وجود دارد. (Govern, 1997, p.598).

در نظام قضایی آمریکا عده‌ای معتقدند در دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه استفاده از رسیدگی انفرادی و مستقل برای هر زیاننده، تنها راهی است که رسیدگی عادلانه و مطابق با تشریفات قانونی تضمین می‌شود؛ اما ممکن است رسیدگی انفرادی به همه موضوعات مطرح شده در این نوع دعوا و در حضور یک قاضی غیر ممکن باشد؛ بنابراین در مواجهه با ثبت تعداد زیادی دعوا که موضوعات مشابهی دارند، دادگاهها از رسیدگی انفرادی گذشته و به سایر رویکردهای مدیریت پرونده روی آورده‌اند (Rheingold, 2017, p.619).

۱. Traditional Individual Case Management
۲. Consolidation for Pretrial/Multidistrict Litigation(MDL)
۳. Case flow orders
۴. Trial Consolidation
۵. Class Actions

از بین رویکردهای موجود برای مدیریت قضایی این نوع دعاوی، ما رویکرد دعاوی گروهی، ادغام پیش از رسیدگی و ادغام مرحله رسیدگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۲-۱. دعاوی گروهی

در تعریف دعاوی گروهی گفته شده است: «آیین دادرسی است که حل و فصل ادعاهای تعدادی از اشخاص علیه خواننده واحد را در قالب یک دعوا میسر می‌سازد. در دعاوی جمعی یک یا چند شخص خواهان اصلی یا نماینده به اصالت از جانب خویش و به نیابت از سایر اشخاص (گروه) اقامه دعوا می‌کنند. این اشخاص از بابت یک عمل غیرقانونی واحد یا اعمال غیر قانونی مشابهی که خواننده مرتکب شده است مدعی حقی می‌باشند که مورد درخواست خواهان‌های اصلی نیز است. از این رو ادعاهای آنها دارای جهات حکمی و موضوعی مشابهی با ادعاهای خواهان‌های اصلی است. در این شیوه دادرسی، فقط خواهان‌های اصلی طرف دعوا محسوب می‌شوند و هویت دقیق اعضای گروه معلوم نیست و تنها توصیف می‌شوند» (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹). در مقدمه قانون منصفانه دعاوی گروهی^۱ مصوب سال ۲۰۰۵ میلادی، دعاوی گروهی اینگونه توصیف شده است: «دعاوی گروهی با فراهم آوردن زمینه اجتماع ادعاهای افراد متعدد، در یک دعاوی واحد علیه خواننده‌ای که ظاهراً موجب ورود ضرر شده، بخش مهم و ارزشمند سیستم قضایی محسوب می‌شوند». در حال حاضر دعاوی گروهی در کشور آمریکا تحت حاکمیت قانون مذکور و ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال است.

در سال ۱۹۸۵ قاضی Robert M. Parker رویکرد دعاوی گروهی را برای دعاوی خسارات بدنی ناشی از «Asbestos» که در بخش شرقی ایالت تگزاس در دست رسیدگی بود، تأیید کرد. گواهی دعاوی گروهی توسط شعبه نهم دادگاه استیناف تأیید

۱. Class Action Fairness Act.



شد و نهایتاً پرونده در طول رسیدگی با سازش حل و فصل شد. قاضی Parker در سال ۱۹۹۰ نیز دعوی گروهی دیگری را تأیید کرد و شعبه نهم به او اجازه داد تا به رسیدگی اقدام کند. این در حالی است که تلاش های متعدد دیگر قضات برای تأیید رویکرد رسیدگی گروهی در دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه ناموفق بوده است (Govern, 1997, p.598).

هر چند در برخی موارد دادگاهها از رویکرد رسیدگی گروهی در دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه استفاده کرده اند، اما براساس تفسیر هایی که از ماده ۲۳ آیین دادرسی مدنی فدرال صورت گرفته، استفاده از این رویکرد برای دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه مناسب نیست (Ibid) و دادگاهها نیز تفسیرهای ماده ۲۳ را دنبال می کنند. علی رغم بیان گسترده ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدارال، تعدادی از دادگاهها استدلال می کنند که دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه شرایط بند ۳ از قسمت دوم ماده ۲۳ « (b)(۳) ۲۳ » را ندارد. به موجب بند یادشده دعوی گروهی در صورتی مجاز است که «دادگاه مسائل حکمی یا موضوعی مشترکی برای اعضای گروه کشف کند، که بر مسأله ای که فقط بر هر یک از اعضا تأثیر می گذارد، غلبه دارد». براین اساس دادگاهها استدلال می کنند که اولاً خواهانها در این نوع دعاوی در بسیاری از مباحث حکمی و موضوعی اختلاف دارند و لذا موضوعات مشترک بر موضوعات فردی غلبه نمی کند. ثانیاً دعوی گروهی برای دعاوی مجزا، با ادعاهای کوچک که به تبع آن خسارات نیز ناچیز هستند، مناسب است تا از این طریق انگیزه ای برای طرح دعوا فراهم شود؛ اما در دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه ادعاها معمولاً بزرگ و روبه توسعه است (Campos, 2012, p.1065-1066).

برای نمونه در دعوی Amchem Product Since v. Windsor دادگاه که به دنبال سازش کلی برای همه ادعاهایی بود که تا آن زمان نسبت به «Asbestos» مطرح نشده بود، دعوی گروهی را بررسی نمود. پس از این بررسی دادگاه مقرر داشت: «اعضای

گروه در این دعوا به طرق مختلف، در دوره های گوناگون و برای مدت زمان متفاوت، در معرض محصولات مختلف حاوی «Asbestos»، قرار داشته‌اند و همچنین برخی متحمل مصدومیت غیر فیزیکی و برخی به بیماری‌های ناتوان‌کننده مبتلا شده‌اند. همچنین در این دعوا قوانین ایالتی حاکم است و قوانین مزبور نیز در مورد این مباحث متنوع هستند، نظیر امکان طرح دعوا فقط به دلیل در معرض ماده «Asbestos» قرار گرفتن، یا امکان مطالبه خسارت صرفاً برای نظارت پزشکی، یا صرفاً برای خطر ابتلا به سرطان و حتی ترس از مصدومیت های آینده». بنابراین دادگاه نتیجه گرفت که مباحث مشترک بر مباحث فردی برتری ندارد (J. Campos, Ibid). همچنین است دعاوی Hyatt Sky, Tetracycline, Foam Urea, Penile Implant و Walk Collapse و Diethylstilbestrol (DES) از جمله مواردی هستند که تلاش برای دعاوی گروهی غیرموفق بود (E. MC Govern, 1997, p.599).

۲-۲-۳. ادغام پیش از مرحله رسیدگی؛ دعاوی متعدد ناحیه‌ای

در سال ۱۹۶۸ میلادی، کنگره آمریکا سازوکاری را برای تمرکز دعاوی مشابه که در چند دادگاه بخش فدرال مطرح بود، فراهم کرد (28 U.S.C.A § 1407). مطابق ماده مزبور، زمانیکه در دعاوی مدنی یک یا چند مسأله موضوعی مشترک وجود دارد و در بخش های متفاوتی در دست رسیدگی باشد، چنین دعاوی ممکن است برای ادغام اقدامات پیش از رسیدگی به هر یک از بخش ها منتقل شود. هدف از این اقدام تسهیل اقدامات مؤثر پیش از رسیدگی، از جمله حذف کشف تکراری، اجتناب از تعارض تصمیم های پیش از رسیدگی، کاهش هزینه های دعوا و کارایی قضایی است. در این رویکرد حقوق خواهان برای طرح دعوا در دادگاه منتخب خود حفظ می شود. زمانیکه اقدامات پیش از رسیدگی انجام شد، هر دعوا به دادگاه انتقال‌دهنده آن، بازگردانده می شود. البته بیشتر دعاوی در همین مرحله پیش از رسیدگی به سازش ختم می شوند و نیازی به بازگشت آنها نیست (Oakley, 2005-2006, p.495-496).



در دهه ۱۹۷۰ یک از مشهورترین دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه مطرح شد. دلیل طرح این دعوا استفاده از محصول شیمیایی معروف به Agent-Orange بود. این ماده شیمیایی در جنگ ویتنام توسط آمریکا استفاده شده بود. در دو دهه پس از آن بحثهای بسیاری در مورد اثر Agent-Orange بر روی انسان صورت گرفت و اثبات شد که دیوکسین موجود در این ماده، سم بسیار قوی و خطرناک برای انسان است. این سم می‌تواند محدوده وسیعی از سوء عمل ارگانی و متابولیسی را ایجاد کند. در این دعوا دادگاه از MDL^۱ استفاده کرد (Ibid).

همچنین در سال ۱۹۹۷ دارویی در کشور آمریکا تولید شد به نام Baycol، که کارکرد آن کاهش کلسترول خون (LDL) و جلوگیری از بیماری قلبی و عروقی بود. در آگوست ۲۰۰۱، سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) مرگ ۳۱ نفر را به دلیل استفاده از این دارو اعلام و متعاقباً شرکت تولیدکننده آن را از بازار جمع آوری کرد. از زمان تولید دارو تا ۲۰۰۱ که دارو ها از بازار جمع آوری شد حدود ۷۰۰ هزار نفر آمریکایی از این دارو استفاده کرده بودند. در نتیجه دعاوی متعددی علیه شرکت تولیدکننده این دارو (Bayer A.G) مطرح شد. در این دعوا که مصداقی از دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه بود، از MDL استفاده و به موجب آن همه دعاوی به شهر مینئاپولیس در ایالت مینه سوتا منتقل شد (Ibid).

به صورت کلی نظام قضایی در دعاوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه که علت آن واقعه‌ای واحد است، مانند سقوط هواپیما، فروریختن ساختمان و خرابی قطار از فرایند MDL استفاده می‌کند (Govern, 1995, p.1826).

۳-۲-۳. ادغام مرحله رسیدگی

۱. Multidistrict Litigation (MDL)

- این اصطلاح به دعاوی متعدد ناحیه ای ترجمه شده است. MDL به عنوان مخفف اصطلاح فوق است و در نوشته های حقوقی از مخفف این اصطلاح استفاده می شود.

به موجب قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، دادگاه‌های فدرال می‌توانند دعاوی مطرح شده را با یکدیگر ادغام نموده و مورد رسیدگی قرار دهند. ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال در خصوص ادغام دعاوی مقرر می‌دارد: «اگر دعاوی مطرح شده در محضر دادگاه به لحاظ حکمی و موضوعی اشتراکاتی داشته باشند، دادگاه می‌تواند:

- مسائل مورد بحث در دعاوی را برای بررسی مقدماتی یا رسیدگی اصلی با یکدیگر ادغام کند.

- دعاوی مطرح شده را با یکدیگر ادغام کند.

- برای اجتناب از هزینه‌ها و تأخیرهای غیر ضروری در خصوص دعاوی مجزا به صورت یکجا تصمیم‌گیری کند.

ادغام لزوماً تا پایان رسیدگی به دعاوی نیز ادامه نمی‌یابد. زمانی که دادگاه در خصوص مسأله مشترک تصمیم‌گیری کرد، دعاوی ادغام شده را از یکدیگر تفکیک می‌کند».

بنابراین زمانیکه دعاوی انفرادی متعدد و مرتبط با موضوع واحد مطرح می‌شود - که اغلب دعاوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه نیز اینگونه است - دادگاهها می‌توانند بر اساس ماده ۴۲ مذکور این دعاوی را برای رسیدگی واحد ادغام کنند (Rheingold, 2017, p620). از آنجاییکه ادغام در حدود صلاحیت دادگاهها صورت می‌گیرد، هر کدام از طرفین دعوا می‌تواند این امر را به دادگاه پیشنهاد کند. همچنین ادغام دعاوی حقوق طرفین دعوا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، زیرا هرکدام از طرفین باید دلایل و مستندات خود را مستقلاً ارائه کند و دعاوی به یک دعاوی واحد تبدیل نمی‌شود. اگر ادغام به عدم کارایی، صعوبت یا تبعیض غیرمنصفانه برای یک طرف منجر شود، مناسب نبوده و استفاده نمی‌شود. بنابراین طرفی که متقاضی ادغام است باید اثبات کند که ادغام دعاوی صرفه جویی و سهولت قضایی را افزایش می‌دهد (Ibid). در دعاوی مسئولیت ناشی از خسارات انبوه دادگاهها ممکن است با ادغام دعاوی، دعوا را به دو قسمت تقسیم کنند. در مرحله اول به موضوعات مشترک مانند



مسئولیت کلی، رابطه سببیت کلی و خسارات تنبیهی رسیدگی و در مرحله دوم به موضوعات جزئی تر مانند رابطه سببیت مجزا برای هر فرد، دفاعیات و خسارات وارده رسیدگی کنند (E.Govern, 1997, p.597). یا اینکه در مرحله اول مسئولیت کلی و ضریب تغییر خسارات تنبیهی و در مرحله دوم خسارات وارده مورد رسیدگی قرار گیرد (Ibid).

۴. حقوق ایران

سؤال آن است که در نظام حقوقی ایران چنانچه از یک یا چند فعل زیانبار، خساراتی انبوه ایجاد شود، مرجع قضایی چه رویکردی در خصوص آن اتخاذ خواهد کرد. فرض بگیریم در آینده مشخص شود که در شیرهای پاستوریزه سم آفلاتوکسین (برای مطالعه پیرامون این نوع سم ر.ک. ارسالی وهمکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳-۱۷۵) وجود داشته و افراد بسیاری به بیماری‌های متعدد ناشی از آن مبتلا شوند، در این صورت افراد بسیاری زیان دیده هستند که باید علیه تولیدکنندگان متعدد شیرپاستوریزه طرح دعوا و مطالبه خسارت کنند. در این فروض خواهان‌ها و خوانده های بالقوه در نقاط مختلفی از کشور حضور دارند. آیا در این موارد باید هریک از افراد زیان دیده علیه خوانده مشخصی طرح دعوا نموده و زیان خود را اثبات نمایند؟ آیا چنانچه افرادی بین زیان وارد شده به خود و استفاده از برخی محصولات رابطه سببیت را اثبات نمایند، امکان استناد به این رابطه سببیت اثبات شده از سوی اشخاص دیگر وجود دارد یا خیر؟ آیا امکان اثبات رابطه سببیت کلی بین برخی محصولات و زیان‌های وارد شده به اشخاص وجود دارد، به این صورت که پس از اثبات رابطه سببیت بین برخی بیماری‌ها و استفاده از برخی محصولات، اشخاص صرفاً استفاده از این محصولات و بیماری خود را اثبات کنند و در این صورت اثبات رابطه سببیت از سوی یکایک خواهان‌ها لازم نباشد. آیا مرجع قضایی رویکردی

برای رسیدگی یکجا و متمرکز نسبت به این دعاوی دارد؟ همچنین سؤالات دیگری که در این خصوص پیش روی مرجع قضایی است.

در پاسخ به این سؤالات باید گفت در نظام حقوقی ایران اصل نسبی بودن رأی (مواد ۳۰۸ و ۳۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی) که اثر رأی را نسبت به متداعیین جاری می‌داند و اصل رعایت حقوق دفاعی و تقابلی بودن دادرسی (مواد ۶۷ به بعد آن قانون) (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱ به بعد) که دادرسی بدون دفاع را ناقص تلقی می‌کند و همچنین اصل ابتکار عمل خصوصی در دعاوی بدین معنا که دعوا آغاز نمی‌شود جز با خواهش مدعی (ماده ۲ آن قانون) (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲ به بعد) از اصول اساسی محسوب می‌شود و رعایت این اصول سبب می‌شود که پاسخ به سؤالات مطرح شده با دشواری مواجه شود.

اگر بخواهیم برای رسیدگی به این دعاوی از رویکرد دعاوی گروهی یا جمعی استفاده کنیم، برخی در مورد این رویکرد معتقدند که امکان اجتماع افراد برای اقامه دعوا و مطالبه حق تضییع شده در نظام حقوقی ایران براساس ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد. ایشان معتقدند از این ماده استنباط می‌شود که هرگاه دو یا چند دعوا از یک منشاء تولید شده باشد یا بین آنها ارتباط کامل موجود باشد و به موجب یک دادخواست یا درخواست اقامه شوند، مرجع رسیدگی مکلف است به آن دعاوی در یک دادرسی به طور توأمان رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند (قاسمی حامد؛ فلاح، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸). اما مشخصاً آنکه براساس اصل نسبی بودن، آراء صادره از سوی دادگاهها تنها شامل اشخاصی می‌شود که خود یا وکیلشان و یا قائم مقام قانونی ایشان در دادرسی شرکت داشته باشند و بدین ترتیب امکان تسری آراء صادره به اشخاص ثالث وجود ندارد و این با دعاوی جمعی مطرح در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا متفاوت است. همچنین در خصوص دعاوی جمعی در نظام حقوقی ایران ممکن است به ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ نیز استناد شود، به موجب ماده مزبور «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوی نمایند. ترتیب آن به موجب آیین-



نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیأت وزیران می‌باشد؛ اما مشخصاً گستره این قانون محدود و منصرف به فضای مجازی بوده و شامل فضای فیزیکی نمی‌شود. (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲ به بعد). همچنین ممکن است در این خصوص قانون «حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» مصوب سال ۱۳۸۸ که فصل سوم آن به «تشکیل انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» اختصاص دارد مطرح شود که امکان طرح دعوای جمعی از سوی این انجمن‌ها به نفع مصرف‌کنندگان وجود دارد؛ اما باید توجه داشت که انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده اختیار طرح دعوا به نمایندگی از مصرف‌کنندگان زیان‌دیده را ندارند. به عبارت دیگر برابر بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۲ قانون حمایت از مصرف‌کننده، انجمن حمایت از مصرف‌کننده شکایات رسیده از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد یادشده در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲ این قانون بررسی می‌کند، در صورت توافق نکردن طرفین (شاکی و مشتکی عنه)، برای رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع می‌نمایند (ماده ۱۴)؛ لذا اقدام انجمن‌های مذکور، صرفاً به ارائه مشاوره، تلاش برای ایجاد سازش بین طرفین و درنهایت ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی محدود است و حق طرح دعوا به نمایندگی از مصرف‌کنندگان را ندارد؛ بنابراین در نظام حقوقی ایران، سازوکار دعوای جمعی یا گروهی وجود ندارد و اشخاص در صورت تمایل باید منفرداً دادخواهی کنند (طهماسبی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳). علاوه بر این موارد همانگونه که بیان شد در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز رویکرد دعوای جمعی برای رسیدگی به دعوای مسؤولیت ناشی از خسارت انبوه به صورت کلی تأیید نمی‌شود.

در خصوص رویکرد ادغام دعوای برای رسیدگی به دعوای مسؤولیت ناشی از خسارت انبوه نیز شاید به ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی استناد شود. حسب ماده مزبور اگر دعوای دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند، در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌کند و چنانچه در چند

شعبه مطرح باشد در یکی از شعب با تعیین رییس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهند شد. معیار تشخیص دعاوی مرتبط را ماده ۱۴۱ این قانون معلوم می‌کند. مطابق قسمت اخیر این ماده «بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد». در این ماده قانونگذار به دعاوی مرتبط به طور خاص اشاره کرده و در چند ماده دیگر که اختصاص به دعاوی طاری دارد به طور پراکنده به آن اشاراتی داشته است. توأم نمودن دعاوی، اقدامی است که دادگاه در هر حال پس از طرح دعاوی طاری (دعاوی اضافی، متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) در صورت وجود شرایط قانونی، به آن مبادرت می‌ورزد. به این معنا که هر یک از دعاوی یادشده را با دعاوی اصلی یکجا مورد رسیدگی قرار می‌دهد و علی القاعده در رأیی واحد تکلیف آنها را روشن می‌کند؛ اما در مانحن فیه توأم نمودن دعاوی به سبب طرح دعاوی طاری مورد نظر نیست، بلکه فرضی مورد نظر است که دادخواست‌های متعددی، در محدوده دادرسی‌های جداگانه به یک دادگاه داده شده که برای رسیدگی به مسائل مشترک بین آنها ادغام صورت گرفته و پس از رسیدگی به مسائل مشترک مانند احراز رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل زیانبار مورد ادعای خواهان، از یکدیگر تفکیک و برای صدور رأی مستقل به دادگاه ارجاع دهنده ارسال می‌شود؛ لذا هر چند در حقوق ایران توأم نمودن دعاوی موجب نمی‌شود که هر یک از دعاوی استقلال خود را از دست بدهد (شمس، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۵۴)، اما حکم ماده ۱۰۳ با آنچه در مورد دعاوی ناشی از خسارت انبوه انتظار می‌رود، متفاوت است؛ بنابراین نحوه مواجهه با دعاوی مسئولیت ناشی از خسارت انبوه، محلی قابل تأمل برای قانونگذار در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در نظام قضایی کشور ایالات متحده آمریکا در صورت مواجهه با دعاوی متعددی که برای مطالبه خسارت ناشی از فعلی زیانبار از سوی زیاندیدگان مطرح می‌شود،



دعوایی تحت عنوان «Mass tort» که به دعوای مسؤولیت ناشی از خطای موجد خسارات انبوه ترجمه شده، شکل گرفته است. مشخصه کلیدی این نوع دعوا حجم بالای دعوی و تعداد زیاد خواهان‌ها و خواننده‌های بالقوه است و با رویکردهایی که مرجع قضایی در مدیریت این دعوی اتخاذ می‌کند، از نظر کیفی نیز حل و فصل دعوی تغییر می‌یابد. قابلیت دعوا برای جذب تعداد بیشتری از خواهان‌های بالقوه و همچنین صدور چند رأی موفقیت‌آمیز در چند دعوی مطرح شده از سوی زیاندیدگان حادثه‌ای واحد، دعوی مسؤولیت مدنی را به دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه تبدیل می‌کند. هرچند در نظام قضایی ایالات متحده آمریکا برای مدیریت این دعوی و رسیدگی به آن، رویکرد ویژه‌ای که خاص این دعوی باشد، وجود ندارد، اما با این وجود مراجع قضایی برای مدیریت این دعوی از بین چند رویکرد دعوی گروهی، ادغام پیش از رسیدگی و ادغام مرحله رسیدگی قادر به انتخاب هستند. در مورد دعوی گروهی هرچند برای برخی دعوی مورد استفاده قرار گرفته است، اما در خصوص آن ایراداتی مطرح شده و در بسیاری از دعوی از این رویکرد استفاده نشده است. رویکرد دیگری که در برخی از دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه استفاده شده است، ادغام مرحله پیش از رسیدگی است که این رویکرد برای این نوع دعوی مفید بوده است. همچنین در خصوص دعوی مسؤولیت ناشی از خسارات انبوه ادغام دعوی در مرحله رسیدگی نیز رویکرد دیگری است که این رویکرد از همه موارد مناسب‌تر بوده است. آنچه مشخص است در نظام حقوقی ایران در صورت طرح دعوی متعدد برای جبران خسارت ناشی از فعل زیانبار یک یا چند واردکننده زیان امکان طرح دعوی گروهی براساس مقررات دادرسی مدنی وجود ندارد و موارد مذکور در قوانین خاص مانند قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده نیز مفید این نوع دعوا نیست. همچنین ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک نیز صرفاً بر فضای مجازی حکومت دارد و نه فضای فیزیکی. علاوه بر این استفاده از این نوع دعوا با توجه به شرایط خاص آن در نظام حقوقی ایالات متحده نیز مورد انتقاد قرار

گرفته است. در خصوص ادغام دعاوی در مرحله پیش از رسیدگی یا مرحله رسیدگی نیز هیچ نص قانونی که براساس آن مرجع قضایی مجاز در استفاده از این رویکردها باشد، وجود ندارد. ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به هیچ عنوان بر جواز استفاده از این رویکردها دلالت ندارد. بنابراین قانونگذار باید با در نظر گرفتن امکان طرح آتی چنین دعاوی، بستر قانونی لازم را برای مواجهه با این نوع دعاوی آماده و مرجع قضایی را در این خصوص کارآمد تر کند.

۶. فهرست منابع

۱-۶. فارسی

۱. ارسالی، عبدالعظیم؛ بهاءالدین بیگی، فائقه؛ قاسمی، رضا، «انتقال آفلاتوکسین از خوراک دام به شیر دام و شیر پاستوریزه در شهر شیراز و حومه»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی یزد، دوره هفدهم، تابستان ۱۳۸۸*.
۲. حسن محسنی؛ بهنام غفاری فارسانی؛ نفیسه شوشی نسب، «دعاوی جمعی و نقش آنها در احقاق حقوق مصرف کنندگان»، *پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱، پاییز ۱۳۹۱*.
۳. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۳، چ ۱۴، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۷.
۴. طهماسبی، علی، «مطالعه تطبیقی شرایط دعاوی گروهی در حقوق آمریکا و کانادا؛ آموزه هایی برای حقوق ایران»، *پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، پاییز ۱۳۹۳*.
۵. قاسمی حامد، عباس؛ فلاح، آرزو، «دعاوی گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف کننده»، *فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۱۹، بهار ۱۳۹۳*.



۶. محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه ی همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، چ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.

۶-۲. انگلیسی

7. Advisory Committee On Civil Rules & Working Group On Mass Torts, Report On Mass Tort Litigation 10, Feb. 15, 1999.
8. Aikman, Alexander B., *Managing Mass Torts Cases: A Resource Book for State Trial Court Judges*, National Center for State Courts, 1995.
9. Biggs, Jennifer L., «Overview of Asbestos: Issues and Trends». Report Prepared by the American Academy of Actuaries Mass Torts Work Group, *Public Policy monograph*, 2001.
10. Brickman, Lester, «the Asbestos Litigation Crisis: is there a need for an administrative alternative?», *Cardozo law review*, Volume 13, 1992.
11. Campos, Sergio J., «Mass Torts and Due Process», *Vanderbilt Law Review*, Volume 37, 2012.
12. Dean, Amber E., «Lead Paint Public Entity Lawsuits: has the broad stroke of tobacco and firearms litigation painted a troubling picture for lead paint manufactures?», *Pepperdine Law Review*, Volume 28, 2001.
13. Manual For Complex Litigation, Fourth, Federal Judicial, 2004.
14. MC Govern, Francis E., «An Analysis of Mass Torts for Judges», *Texas Law Review*, Volume 73, 1995.
15. MC Govern, Francis E., «the Defensive Use of Federal Class Actions in Mass Torts», *Arizona Law Review*, Volume 39, 1997.
16. MC Govern, Francis E., «Toward a Functional Approach for Managing Complex Litigation», *University of Chicago Law Review*, Volume 53, 1986.
17. Menkel-Meadow, Carrie, «Taking the Mass out of Mass Torts: Reflections of a Dalkon Shield Taking the Mass out of Mass Torts: Reflections of a Dalkon Shield Arbitrator on Alternative Dispute Resolution, Judging, Neutrality, Arbitrator on Alternative Dispute

- Resolution, Judging, Neutrality, Gender, and Process Gender, and Process», *Georgetown University Law Center*, Volume 31, 1998.
18. Oakley, Danielle, «is multidistrict litigation a just and efficient consolidation technique? Using Diet Drug Litigation as a Model to Answer», *Nevada Law Journal*, Volume 6, 2005-2006.
19. Portiz, Deborah T ; Carchman Philip S., *New Jersey Mass Tort (Non-Asbestos)*, *Resource Book*, First Edition, New Jersey Judiciary, 2005.
20. Rheingold, Paul D., «Mass Torts—Maturation of Law and Practice», *Pace Law Review*, Volume 37, 2017.
21. Rosenberg, David, «the Causal Connection in Mass Exposure Cases: A "Public Law" Vision of Tort System», *Harvard Law Review*, Volume 97, 1984.
22. White, Michelle J., «Understanding the Asbestos Crisis», *Department of Economics University of California*, 2003.
23. White, Michelle J., «Asbestos and the Future of Mass Torts, journal of Economics Perspectives», *Journal of Economic Perspectives*, Volume 18, 2004.
24. White, Michelle J., «why the Asbestos Genie won't stay in bankruptcy bottle», *University of Cincinnati law review*, Volume 70, 2002.